

مؤثر قتل‌های زنجیره‌ای، توقیف بی‌حد و مرز روزنامه‌ها و زندانی کردن مدیران آنها، تار و مار کردن دانش‌جویان در موارد متعدد و دهها نمونه دیگر همه در دوران خاتمی روی داده است. اگر بپذیریم که مخالفان همه راه‌ها را برای اصلاح مملکت به روی او بسته‌اند، خوشبختانه در «استعفا» همیشه به روی او باز بوده است.

در این مختصر بنده تنها به برخی از مطالب کتاب اشاره کرده‌ام، آن هم اشاره‌ای کوتاه. کتاب را باید به دقت خواند زیرا اطلاعات نسبتاً قابل توجهی از تاریخ معاصر ایران در این کتاب به چشم می‌خورد.

امید است مؤلف محترم آن هشتصد صفحه بقیه مصاحبه را نیز بخش به بخش به حلیه

طبع بیاراید.

رضا پورحسینی

Langenscheids Universalwörterbuch, Persisch-Deutsch, Deutch-Persisch, von Khosro Naghed, Berlin 2002.

480 Seiten. ISBN: 3468182503. 10.95 E

«فرهنگ عمومی فارسی به آلمانی

و آلمانی به فارسی»

تألیف خسرو ناقد

نقد منصفانه و بررسی دقیق فرهنگ‌های دوزبانه کاری ست دشوار و خطیر. با تورقی در فرهنگ زبان و نگاهی به مدخلها و معادلها و مترادفهای آن، نمی‌توان به سادگی به نقاط ضعف و قوت این نوع کتاب پی برد و درباره آن داوری کرد. لازمه نقد و بررسی کارشناسانه فرهنگ زبان، کندوکاو در اجزاء آن، به کارگیری مداوم و استفاده هدفمند از آن است. کاری که البته زمان می‌خواهد و در کوتاه مدت میسر نیست. اما از سوی دیگر علاقه‌مندان و خریداران این نوع کتابها از صاحب‌نظران و منتقدان کتاب و در واقع از نشریاتی که تمامی یا بخشی از صفحات خود را به معرفی و نقد و بررسی کتاب اختصاص می‌دهند، انتظار دارند که در انتخاب فرهنگ زبان مورد نیازشان، آنان را راهنمایی کنند و یاریشان دهند.

یکی از راههای بررسی فرهنگ‌های دوزبانه، مقایسه معادلها و مترادفهای زبان مقصد (در برابر زبان مبدأ) است. به این ترتیب که مدخلی را که در تمام فرهنگ‌های موجود ثبت شده است در نظر گرفت و سپس برای برنهادها را به لحاظ درستی و دقت، با هم مقایسه کرد.

البته این روش بی اشکال هم نیست؛ چرا که حجم واژگان فرهنگها با هم متفاوتند و در نتیجه، تعداد برابر نهاده‌ها و مترادفها نیز با هم تناسب ندارند. علاوه بر این، نوع مخاطبان و حوزه کاربرد فرهنگها نیز با هم تفاوت دارند. لذا استفاده از این روش زمانی با دقت کارشناسانه همراه خواهد بود که مثلاً دو یا چند فرهنگ عمومی زبان آلمانی-فارسی با حجم واژگانی تقریباً مساوی (۳۵ تا ۴۰ هزار لغت) و با برابر نهاده‌ها و مترادفهای یک اندازه (۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار) را که مثلاً برای استفاده زبان آموزان و دانشجویان تألیف شده است با هم قیاس کرد. با این همه ناگزیریم که فرهنگ مورد نظر خود را با چند فرهنگ زبان آلمانی-فارسی دیگر که در حال حاضر در بازار کتاب موجود است، مقایسه کنیم. گرچه می‌دانیم که این فرهنگها به لحاظ حجم واژگان و نوع مخاطبان با هم اختلاف بسیار دارند.

اما نخست فرهنگ زبان آلمانی-فارسی را که در این نوشتار قصد بررسی و نقد آن را داریم، به طور کوتاه معرفی می‌کنیم و ویژگیهای آن را برمی‌شماریم.

به تازگی در کشورهای آلمانی زبان فرهنگ فارسی به آلمانی و آلمانی به فارسی کوچکی به بازار عرضه شده که خسرو ناقد مؤلف آن است و انتشارات معتبر لانگن شایت آن را منتشر کرده است. این فرهنگ به رغم کوچکی، سزاوار نقد و بررسی است. شاید تنها به این دلیل که حاصل نخستین همکاری موفقیت آمیز فرهنگ نویسی ایرانی با ناشری اروپایی است. ناشر آلمانی این فرهنگ که از سال ۱۸۵۶ میلادی در کار انتشار کتابهای مرجع و به ویژه فرهنگهای دو زبانه است، از اعتبار جهانی برخوردار است و فرهنگهای دوزبانه بسیاری برای اکثر زبانهای دنیا در قطعهای متفاوت و متناسب با حجم واژگان و تعداد صفحات و نوع مخاطبان منتشر کرده است. ولی به جز دوره کوتاهی که پس از فروپاشی آلمان شرقی، امتیاز «فرهنگ فارسی به آلمانی یونکر-علوی» را در اختیار داشت و آن را تجدید چاپ می‌کرد، تاکنون در فهرست فرهنگهای منتشر شده خود، فرهنگ آلمانی به فارسی و فارسی به آلمانی، آن هم در یک مجلد نداشت. این کمبود را بیش از همه و به گونه ای مشهود زبان آموزان و جهانگردان آلمانی و ایرانی احساس می‌کردند. البته این فرهنگ در شمار فرهنگهای کوچکی است که این ناشر در قطع جیبی، تقریباً برای تمام زبانهای زنده دنیا، منتشر می‌کند. شگفت آن که تا کنون برای زبان فارسی چنین فرهنگی وجود نداشت؛ و این در حالی است که افزون بر زبانهای بزرگ دنیا، برای زبانهای دیگر چون آلبانیایی، اندونزیایی، ایسلندی، بلغاری، سواحلی، کرواتی و ویتنامی هم سالهاست که فرهنگهای دوزبانه در کشورهای آلمانی زبان یافت می‌شود.

از این رو مؤسسه انتشاراتی لانگن شایت با توجه به نیاز روزافزون ایرانیان و آلمانی‌ها به فرهنگی، بر اساس سابقه کار خسرو ناقد در ترجمه متون و تجربیات او در زمینه فرهنگ نگاری، سفارش تألیف و تدوین نخستین فرهنگ دوزبانه آلمانی به فارسی را به وی داده است. مخاطبان اصلی این فرهنگ بیشتر زبان آموزان فارسی و آلمانی و نیز جهانگردان آلمانی زبان و فارسی زبانانند تا به راحتی بتوانند با رجوع به آن نیازمندیهای اولیه خود را برطرف کنند. از این رو ناشر، این فرهنگ دوسویه را در قطعی کوچک عرضه کرده است تا به هنگام مسافرت و در مدرسه و کوچه و بازار، در جیب و کیف جا بگیرد. از آن جا که در مرتبه اول، مخاطبان آلمانی در نظر بوده اند، تمام اصطلاحات و واژه‌ها و مثالهای فارسی به صورت ساده ای آوانویسی شده است تا کار خواندن لغات فارسی برای آلمانی زبانان آسان شود. این کار نه تنها به آلمانی زبانانی که در آلمان و اتریش و مناطق آلمانی زبان کشور سوئیس و ایران و افغانستان و تاجیکستان با زبان فارسی سرو کار دارند، کمک بسیار می کند، بلکه به نسل جدیدی از ایرانیان نیز که ساکن کشورهای آلمانی زبانانند و خواندن و نوشتن فارسی را نمی دانند، اما فارسی را می فهمند و یا کم و بیش می توانند فارسی حرف بزنند، یاری می رساند.

در بخش فارسی به آلمانی فرهنگ لانگن شایت، افزون بر واژه‌های پربسامد زبان نوشتاری و گفتاری، به واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه نیز که در زبان محاوره ای رایج شده اند، برمی خوریم که در کمتر فرهنگ دوزبانه ای، آن هم با چنین معادل‌های دقیق و مناسب در زبان مقصد، دیده می شود؛ مثلاً «آس و پاس» *völlig abgebrannt*، «فس فسو»، *Trödelliese, Trödelbritze, Trödler(in)*، «تنش می خارد» *ihm/ihn*، *juckt das Fell*، «کله گنده» *hohes Tier*، «هول هولکی»، *Hals über Kopf*، «قاپ زدن»، *schnappen*، «فت و فراوان»، *in Hülle und Fülle*، «چاپیدن»، *neppen*، «ابوقراضه»، *Klapperkasten*، «چسی» *Prahlerei*، *Protzerei* و جز اینها.

در این فرهنگ انتخاب واحدهای واژگانی با توجه به نوع مخاطبان و عمومی بودن فرهنگ صورت گرفته است و تقریباً همه واژه‌های رایج و زنده زبان فارسی و آلمانی که در محاوره روزمره مورد استفاده قرار می گیرد، ثبت شده است. فرهنگ لانگن شایت تنها فرهنگ در میان فرهنگهای موجود است که رسم الخط (شیوه نگارش) جدید زبان آلمانی که به تازگی در کشورهای آلمانی زبان رسمیت یافته، در آن به کار رفته است. حاصل کار فرهنگی شده است دوسویه، یعنی فارسی به آلمانی و آلمانی به فارسی، در قطع جیبی و با ۱۸۰۰۰ واژه

پربسامد، به همراه آوانویسی واژه های فارسی و کاربرد آنها در حوزه های معنایی گوناگون و مثالهای متعدد که در ۸۰ صفحه بر روی کاغذ نازک اما محکم و با صحافی خوب و طرح ساده و جالب روی جلد به بازار کتاب عرضه شده است.

حال در زیر نمونه وار مدخلها و معادلهای ۵ فرهنگ آلمانی- فارسی را که در دسترس داریم با هم مقایسه می کنیم:

(۱) فرهنگ آلمانی- فارسی دانشگاهی، تألیف امیر اشرف آریان پور.

(۲) فرهنگ جامع آلمانی- فارسی بروک هاوس، تألیف خشیار قائم مقامی.

(۳) فرهنگ آلمانی- فارسی، تألیف حسین پنبه چی [این فرهنگ ترجمه Duden- Das Bedeutungsworterbuch است].

(۴) فرهنگ جامع آلمانی- فارسی، تألیف حسین توکلی.

(۵) فرهنگ فارسی- آلمانی و آلمانی- فارسی لانگن شایت، تألیف خسرو ناقد

البته بیشتر هم اشاره کردیم که فرهنگ لانگن شایت، چه به لحاظ قطع و اندازه و چه به لحاظ حجم واژگان و تعداد برا بر نهاده ها و مترادفها، از همه فرهنگهای مذکور کوچکتر است و شاید تنها با فرهنگ آلمانی- فارسی، تألیف حسین پنبه چی، یا احتمالاً فرهنگ جامع آلمانی- فارسی، تألیف حسین توکلی قابل قیاس باشد. به هر حال، ما سعی می کنیم در بررسی تطبیقی خود حتی الامکان مدخلهایی را برگزینیم که در تمام این فرهنگها ضبط شده باشند.

نمونه اول: دو واژه *Gefängnis* و *Kittchen* را در زبان آلمانی در نظر بگیریم که هر دو به معنای «زندان» است. اما یکی بیشتر در زبان نوشتار و دیگری در زبان محاوره به کار می رود. همه فرهنگهای آلمانی به فارسی بدون استثناء در مقابل این دو واژه معنای «زندان» را گذارده اند و فقط فرهنگ لانگن شایت معادل «زندان» را در برابر *Gefängnis* و «هلفدونی» در برابر *Kittchen* نهاده است.

نمونه دوم: (۱) *Titel* (مقام، درجه؛ عنوان، تیترو. ۲) لقب، عنوان، تیترو. ۳) عنوان یا مقام و یا سمت خاصی که به مناسبت خدمات شایسته به اشخاص اعطاء می گردد، درجه؛ عنوان یا اسم یک کتاب یا یک اثر هنری. ۴) عنوان، لقب، تیترو، مقام قهرمانی [ورزش]. ۵) [کتاب] عنوان، تیترو؛ [شخص] لقب. آنچه در این مثال پیش از هر چیز جلب توجه می کند، فرهنگ شماره ۳ است. مؤلف ظاهراً تمام متن لغتنامه *Duden* را که فرهنگ آلمانی به آلمانی است، ترجمه کرده است. در صورتی که کار مؤلف فرهنگ دوزبانه یافتن معادلهای دقیق و مناسب برای واژه هاست و نه تعریف و تشریح آنها. در فرهنگ پنبه چی،

این وضع تا آخر ادامه دارد.

نمونه سوم: Handschrift (۱) نسخه خطی، دستخط (۲) خط؛ دست نویس. [در این فرهنگ مدخل آلمانی به غلط با ff ضبط شده است]. (۳) خط دستی، خطی که با دست نوشته شده باشد؛ کتابی که در قرون گذشته (قرون وسطی) با دست نوشته شده باشد، کتاب خطی. (۴) دستخط. (۵) دستخط، خط؛ نسخه خطی.

نمونه چهارم: Quatsch (۱) حرف مفت، سخن بی معنی، مهمل گویی، لوس بازی، چرند پرند. (۲) یاوه، مزخرف، حرف مفت. (۳) حرف یا عمل مزخرف و نادرست و احمقانه و بی ارزش و بی معنی، حرف بی سر و ته. (۴) چرند و پرند، مهمل، مزخرف، حماقت. (۵) لیچار، شر و ور؛ شوخی.

نمونه پنجم: Landfriedensbruch (۱) نقض آرامش کشور. (۲) شورش کردن و دستبرد زدن به مال و جان مردم. (۳) و (۴) و (۵) این واژه را ضبط نکرده اند. (۱) و (۲) هم سعی در تعریف و معنی کردن داشته اند و به خطا رفته اند. معادل دقیق و درست آن «اختلال در نظم عمومی، ایجاد اغتشاش» است.

نمونه ششم: Notwehr (۱) دفاع از خود، خودپدافند. (۲) دفاع اضطراری از خود. (۳) دفاع از جان خود هنگام مورد خطر جانی قرار گرفتن و کشتن کسی که قصد جان شخص را داشته بدون آن که او از این بابت کیفر شود. (۴) دفاع از خود. (۵) دفاع مشروع. در این جا می بینیم که تنها معادل درست و دقیق این اصطلاح حقوقی را که در لغتنامه دهخدا نیز به همین معنا ضبط شده، خسرو ناقد به کار گرفته است.

نمونه هفتم: Podiumsdiskussion (۱) گفت و گوی روحانی با حاضران. (۲ و ۳ و ۴) ندارد. (۵) میز گرد.

نمونه هشتم: Handschuhfach (۱) قسمت دستکش در فروشگاه. (۲) محلی در داشپورت ماشین برای قرار دادن بعضی از اشیاء. (۳) ندارد. (۴) داشبورد. (۵) داشبرد.

نمونه نهم: Teufelskreis (۱) تسلسل مشکلات. (۲) موقعیت بد و نامناسب، سلسله ای از حوادث و پیشامدهای ناجور. (۳) ندارد. (۴) تسلسل مشکلات، موقعیتی که انسان برای برطرف کردن یک مشکل با مشکلی جدید مواجه می شود. (۵) دور باطل.

نمونه دهم: Kleinkram اصطلاحی رایج در زبان محاوره آلمانی است. (۱) چیز جزئی و اندک، موضوع کم اهمیت و ناچیز. (۲) اشیاء کوچک بی ارزش، کارهای بی اهمیت و ناچیز، خرده کاری. (۳) کارهای کم اهمیت ولی لازم و دست و پا گیر و وقت تلف کننده روزانه. (۴) ندارد. (۵) خرده ریز، خرت و پرت.

نتیجه ای که از این بررسی کوتاه می توان گرفت، این است که مؤلف فرهنگ دوزبانه جداً باید از تعریف و توصیف لغات و اصطلاحات زبان مبدأ پرهیزد. به عبارتی دیگر، از معنی کردن و توضیح و تشریح و ترجمه سرمدخلها دوری جوید و بکوشد تا در زبان مقصد برابر نهاده هایی دقیق و مناسب برای هر واژه بیابد. شاید ویژگی ممتاز فرهنگ لانگن شایت، معادلهای درست و دقیق واژه هاست؛ چه در بخش آلمانی به فارسی و چه در بخش فارسی به آلمانی.

ژوئن ۲۰۰۲

وین، اتریش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی